

# عُمْدَةُ السَّالِكِ وَعُدَّةُ النَّاسِكِ

تأليف:

شهاب الدين ابوالعباس أحمد بن النقيب المصري

وفات:

سال ۷۶۹ هجری قمری

ترجمه، تحقیق، تفریح أحادیث و بیان دلایل:

سید مسلم تفت دار

مدرسه امیریه

جزیره قشم – گیاهدان

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ثُمَّ يَغْسِلُ يَدَيْهِ<sup>۱</sup> مَعَ مِرْفَقَيْهِ ثَلَاثًا<sup>۲</sup>، فَإِنْ قُطِعَتْ مِنَ السَّاعِدِ وَجَبَ غَسْلُ الْبَاقِي<sup>۳</sup>، أَوْ مِنْ مِفْصَلِ الْمِرْفَقِ لَزِمَهُ غَسْلُ رَأْسِ الْعَضْدِ<sup>۴</sup>، أَوْ مِنَ الْعَضْدِ نُدِبَ غَسْلُ بَاقِيهِ<sup>۵</sup>.

و خلال کردن ریش از پایین آن با آب جدید سنت است. سپس دو دستش همراه دو آرنجش را سه بار می‌شوید. پس اگر (دستش) از مچ قطع شده شستن باقی آن واجب

<sup>۱</sup> . الله عزوجل می‌فرماید: إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ. المائدة ۶

هرگاه به نماز برخاستید پس صورت‌هایتان و دست‌هایتان را به همراه آرنج بشوید و سرتان را مسح نمایید و پاهایتان را تا قوزک (بشوید).

<sup>۲</sup> . عَنْ أَبِي أَنَسٍ، أَنَّ عُمَانَ قَالَ: أَلَا أُرِيكُمْ وُضُوءَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ؟ ثُمَّ تَوَضَّأَ ثَلَاثًا ثَلَاثًا. مسلم ۲۳۰

عثمان بن عفان گفت: آیا وضوی رسول الله صلی الله علیه و سلم را به شما نشان ندهم؟ سپس سه بار، سه بار وضو گرفت.

<sup>۳</sup> . زیرا از آرنج است. آرنج به مجموع سر مفصل ساعد و بازو گفته می‌شود.

<sup>۴</sup> . قاعدة فقهی: الْمَيْسُورُ لَا يَسْقُطُ بِالْمَعْسُورِ.

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: إِذَا أَمَرْتُكُمْ بِأَمْرٍ فَأَتُوا مِنْهُ مَا اسْتَطَعْتُمْ. بخاری

۷۲۸۸

هرگاه شما را به چیزی امر کردم تا حد توان آن را انجام دهید.

<sup>۵</sup> . برای تکمیل تحجیل که دلیل آن در صفحه... خواهد آمد. زیرا شستن دست تا انتهای

بازو مستحب است.

می‌شود، یا از مفصل آرنج (قطع شده) شستن سر بازو لازم او می‌شود، یا از بازو (قطع شده) شستن باقی آن سنت می‌شود.

ثُمَّ يَمْسَحُ رَأْسَهُ فَيَبْدَأُ بِمُقَدِّمِ رَأْسِهِ فَيَذْهَبُ بِيَدَيْهِ إِلَى قَفَاهُ، ثُمَّ يَرُدُّهُمَا إِلَى الْمَكَانِ الَّذِي بَدَأَ مِنْهُ،<sup>۱</sup> يَفْعَلُ ذَلِكَ ثَلَاثًا،<sup>۲</sup>

سپس سرش را مسح می‌کند پس از (قسمت) جلو سرش شروع می‌کند؛ دو دستش را بسوی پشت سرش می‌برد، سپس (دو دستش را) به مکانی که از آن شروع کرده بود برمی‌گرداند. آن را سه بار انجام می‌دهد،

فَإِنْ كَانَ أَقْرَعَ أَوْ مَا نَبَتَ شَعْرُهُ أَوْ كَانَ طَوِيلًا أَوْ مَضْفُورًا<sup>۳</sup> لَمْ يُنْدَبِ الرَّدُّ،<sup>۴</sup>

۶. حدیث عبدالله بن زید که وضوی رسول الله صلی الله علیه و سلم را نشان داد: ثُمَّ مَسَحَ رَأْسَهُ بِيَدَيْهِ، فَأَقْبَلَ بِهِمَا وَأَذْبَرَ، بَدَأَ بِمُقَدِّمِ رَأْسِهِ حَتَّى ذَهَبَ بِهِمَا إِلَى قَفَاهُ، ثُمَّ رَدَّهُمَا إِلَى الْمَكَانِ الَّذِي بَدَأَ مِنْهُ. بخاری ۱۸۵

سپس سر خویش را مسح نمود، پس دو دستانش را به جلو و عقب سر برد. ابتدا از قسمت جلو سرش آغاز نمود تا اینکه دو دستانش را به پشت سرش برد سپس آن دو را به مکانی که از آنجا آغاز نموده بود، برگرداند.

۷. عَنْ أَبِي أَنَسٍ، أَنَّ عُثْمَانَ قَالَ: أَلَا أُرِيكُمْ وُضُوءَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ؟ ثُمَّ تَوَضَّأَ ثَلَاثًا ثَلَاثًا. مسلم ۲۳۰

عثمان بن عفان گفت: آیا وضوی رسول الله صلی الله علیه و سلم را به شما نشان ندهم؟ سپس سه بار، سه بار وضو گرفت.

حُمُرَانٌ مِی‌گویند: دیدم که عثمان بن عفان وضو گرفت. سپس گفت: حُمُرَانٌ وَمَسَحَ رَأْسَهُ ثَلَاثًا. ثُمَّ قَالَ: رَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تَوَضَّأَ هَكَذَا. و سر خویش را سه بار مسح نمود و گفت: دیدم که این چنین رسول الله صلی الله علیه و سلم وضو گرفتند. حسن صحیح. ابوداود ۱۰۷

حدیث دیگر: علی بن ابی طالب به ابن عباس فرمود: آیا وضوی رسول الله صلی الله علیه و سلم را به تو نشان ندهم؟ در این حدیث آمده است: وَمَسَحَ رَأْسَهُ ثَلَاثًا. سر خویش را سه بار مسح نمود. حسن. ابوداود ۱۱۷

حدیث دیگر: رَبِيعُ بِنْتُ مُعَوِّذٍ در صفت وضوی رسول الله صلی الله علیه و سلم می‌گوید: وَمَسَحَ بِرَأْسِهِ مَرَّتَيْنِ. و سر خویش را دو بار مسح نمود. حسن. ابوداود ۱۲۶

پس اگر تاس بود یا (بعلت تراشیدن، هنوز) موی او نروبیده بود یا (موی او) بلند یا بافته شده بود (در موارد یاد شده) برگرداندن (دو دست) سنت نشده است.

فَلَوْ وَضَعَ يَدَهُ بِلَا مَدٍّ بِحَيْثُ بَلَّ مَا يَنْطَلِقُ عَلَيْهِ الْإِسْمُ، وَلَوْ بَعْضُ شَعْرَةٍ لَمْ تَخْرُجْ بِالْمَدِّ عَنِ حَدِّ الرَّأْسِ، " أَوْ قَطَّرَ وَلَمْ يَسِلْ أَوْ غَسَلَهُ كَفَى، " فَإِنْ شَقَّ نَزْعُ عِمَامَتِهِ كَمَلَّ عَلَيْهَا بَعْدَ مَسْحِ مَا يَجِبُ. <sup>١٣</sup>

پس اگر دستش را بدون کشیدن (بر سرش) گذاشت بطوری که خیس شد آن مقداری (که) اسم مسح به آن اطلاق می‌شود، و آن قسمتی از موئی است که با دست کشیدن از حد سر خارج نشده است، یا (آب را بر سرش) قطره قطره ریخت و جاری نشد، یا سرش را شست، کفایت می‌کند. پس اگر کردن عمامه‌اش دشوار شد بعد از مسح واجب، (مسح) بر عمامه تکمیل می‌کند.

ثُمَّ يَمْسَحُ أُذُنَيْهِ ظَاهِرًا وَبَاطِنًا

<sup>٨</sup> . در نسخ خطی و به تبع آن، در چاپ دارالمنهاج بدون «أو» عطف: «طَوِيلًا مَضْفُورًا» آمده، اما در سایر چاپ‌ها و تمامی شروح با «أو» عطف آمده است. و در الغرر البهیه در تأیید لزوم «أو» آمده: «أَمَّا مَنْ لَا شَعْرَ لَهُ يَنْقَلِبُ إِمَّا لِعَدَمِهِ، أَوْ قِصْرِهِ، أَوْ طُولِهِ، أَوْ كَوْنِهِ مَضْفُورًا فَلَا يُسَنُّ لَهُ الرَّدُّ لِعَدَمِ فَائِدَتِهِ، فَإِنْ عَادَ لَمْ تُحْسَبْ ثَانِيَةً؛ لِأَنَّ الْمَاءَ صَارَ مُسْتَعْمَلًا». و همچنین در تحفه: «وَأِلَّا لِنَحْوِ صَفْرِهِ أَوْ طُولِهِ فَلَا لِصَيْرُورَةِ الْمَاءِ مُسْتَعْمَلًا». و صاحب فتح المسالك گفته: حذف «أو»، تهوّر فاحشی است که باید از آن برحذر بود.

<sup>٩</sup> . در تحفه، نهاییه، مغنی، فتح و فیض آمده: زیرا برگشت دادن آن فایده‌ای در بر ندارد و اگر برگشت داد آب مستعمل می‌گردد.

<sup>١٠</sup> . در بعضی از نسخه‌ها و چاپ‌ها آمده: وَهُوَ بَعْضٌ.

<sup>١١</sup> . زیرا رأس به آن گفته نمی‌شود؛ در قران آمده: وَامْسَحُوا بِرُؤُوسِكُمْ.

<sup>١٢</sup> . زیرا هم مسح و هم زیاده بر مسح است.

<sup>١٣</sup> . عَنِ الْمُغِيرَةِ، أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: تَوَضَّأَ فَمَسَحَ بِنَاصِيَتِهِ، وَعَلَى

الْعِمَامَةِ وَعَلَى الْخُفَّيْنِ. مسلم ٢٤٧

رسول الله صلى الله عليه وسلم وضو گرفت و بر ناصیه و بر عمامه و بر کفش مسح نمود.

سپس مسح می کند دو گوشش، ظاهر و باطن آن،  
**بِمَاءٍ جَدِيدٍ<sup>۱۵</sup> ثَلَاثًا<sup>۱۶</sup>، ثُمَّ صِمَاحِيهِ<sup>۱۷</sup>**

<sup>۱۴</sup> . عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ: أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَسَحَ بِرَأْسِهِ وَأُذُنَيْهِ، ظَاهِرَهُمَا  
وَبَاطِنَهُمَا. حسن صحيح. ترمذی ۳۶

همانا نبی اکرم صلی الله علیه و سلم سر و دو گوش خویش، ظاهر آن دو و داخل آن دو  
را مسح نمود.

حدیث دیگر: عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ فِي صِفَةِ وُضُوءِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: ثُمَّ مَسَحَ  
بِرَأْسِهِ وَأُذُنَيْهِ بَاطِنَهُمَا بِالسَّبَّاحَتَيْنِ وَظَاهِرَهُمَا بِإِبْهَامَيْهِ. حسن صحيح. نسائی ۱۰۲  
سپس سر خویش و دو گوش خویش، داخل آن دو را با انگشت شهادت و ظاهر آن دو را  
با دو ابهام خویش مسح نمود.

<sup>۱۵</sup> . عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ: أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَسَحَ أُذُنَيْهِ بِغَيْرِ الْمَاءِ الَّذِي  
مَسَحَ بِهِ رَأْسَهُ. صححه الحاكم في المستدرک ۵۳۹ و وافقه الذهبي.  
همانا نبی اکرم صلی الله علیه و سلم دو گوش خویش را مسح می نمود با آبی غیر از آبی  
که با آن مسح سر نموده بود.

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ زَيْدِ الْأَنْصَارِيِّ، قَالَ: رَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ،  
يَتَوَضَّأُ فَأَخَذَ مَاءً لِأُذُنَيْهِ خِلَافَ الْمَاءِ الَّذِي مَسَحَ بِهِ رَأْسَهُ. حاکم در مستدرک ۵۳۸  
صحیح دانسته، ذهبی سکوت کرده و بیهقی در السنن الکبری ۳۰۸ إسناد آن را صحیح  
دانسته.

رسول الله صلی الله علیه و سلم را دیدم که وضو می گیرد پس برای دو گوش خویش، آبی  
برداشت غیر از آبی که با آن مسح سر کرده بود.

<sup>۱۶</sup> . عَنْ أَبِي أَنَسٍ، أَنَّ عُمَانَ قَالَ: أَلَا أُرِيكُمْ وُضُوءَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ  
وَسَلَّمَ؟ ثُمَّ تَوَضَّأَ ثَلَاثًا ثَلَاثًا. مسلم ۲۳۰

عثمان بن عفان گفت: آیا وضوی رسول الله صلی الله علیه و سلم را به شما نشان ندهم؟  
سپس سه بار، سه بار وضو گرفت.

<sup>۱۷</sup> . در حدیث مقدم بن معدیکرب که وضوی رسول الله صلی الله علیه و سلم را توصیف  
می کند: آمده: وَأَدْخَلَ أَصَابِعَهُ فِي صِمَاحِ أُذُنَيْهِ. صحیح، ابوداؤد ۱۲۳

با آب جدید. سپس سوراخ دو گوش

**بِمَاءٍ جَدِيدٍ ثَلَاثًا،<sup>۱۸</sup> فَيُدْخِلُ خِنْصِرَيْهِ فِيهِمَا.<sup>۱۹</sup>**

را با آب تازه سه بار (مسح می کند)، پس دو انگشت کوچکش را در آن دو داخل می کند.  
**ثُمَّ يَغْسِلُ رِجْلَيْهِ مَعَ كَعْبَيْهِ<sup>۲۰</sup> ثَلَاثًا.<sup>۲۱</sup> فَلَوْ شَكَ فِي تَثْلِيثِ عَضْوٍ أَخَذَ بِالْأَقْلِّ، فَيُكْمَلُ  
 ثَلَاثًا يَقِينًا.<sup>۲۲</sup>**

سپس دو پایش را همراه دو قوزکش سه بار می شوید. پس اگر در سه بار شستن عضوی شک کرد به کمترین می گیرد، پس سه بار را به یقین، تکمیل می کند.

و انگشتان خویش را درون سوراخ دو گوش خویش فرو برد.

<sup>۱۸</sup> . در تحفه آمده: (ثُمَّ) مَسَحَ جَمِيعَ (أُذُنَيْهِ) ظَاهِرَهُمَا وَبَاطِنَهُمَا بِبَاطِنِ أُصْبُعِي سَبَابَتَيْهِ وَإِنْهَامَيْهِ بِمَاءٍ غَيْرِ مَاءِ الرَّأْسِ وَمَسَحَ صِمَاخَيْهِمَا بِطَرَفِي سَبَابَتَيْهِ بِمَاءٍ جَدِيدٍ أَيْضًا لِلاتِّبَاعِ. در منهج القويم آمده: (وَ) مَسَحَ (صِمَاخَيْهِ) وَهُمَا خَرَقًا الْأُذُنَيْنِ وَالْأَفْضَلُ أَنْ يَكُونَ (بِمَاءٍ جَدِيدٍ) غَيْرِ مَاءِ الرَّأْسِ وَالْأُذُنَيْنِ، فَلَوْ مَسَحَهُمَا بِمَائِهِمَا حَصَلَ أَصْلُ السُّنَّةِ. در مغنی آمده: وَيَأْخُذُ لِصِمَاخَيْهِ أَيْضًا مَاءً جَدِيدًا. در حاشیه جمل بر منهج آمده: وَيُسْتَحَبُّ أَنْ يَكُونَ مَاءُ الصِّمَاحَيْنِ غَيْرَ مَاءِ الرَّأْسِ وَالْأُذُنَيْنِ.

<sup>۱۹</sup> . در همه روایات آمده: انگشت شهادت را درون گوش می چرخاند. و به تبع آن، در کتاب های فقهی نیز چنین آمده؛ اما «استفاده کردن از انگشت کوچک» جائی نیافت.

<sup>۲۰</sup> . الله عزوجل می فرماید: إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ. المائدة ۶

هرگاه به نماز برخاستید پس صورت هایتان و دست هایتان را به همراه آرنج بشوید و سرتان را مسح نمایید و پاهایتان را تا قوزک (بشوید).

<sup>۲۱</sup> . عَنْ أَبِي أَنَسٍ، أَنَّ عُمَانَ قَالَ: أَلَا أُرِيكُمْ وُضُوءَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ؟ ثُمَّ تَوَضَّأَ ثَلَاثًا ثَلَاثًا. مسلم ۲۳۰

عثمان بن عفان گفت: آیا وضوی رسول الله صلی الله علیه و سلم را به شما نشان ندهم؟ سپس سه بار، سه بار وضو گرفت.

<sup>۲۲</sup> . قاعدة فقهی: الْيَقِينُ لَا يُزَالُ بِالشَّكِّ.

وَيُقَدِّمُ الْيُمْنَى مِنْ يَدِ وَرَجُلٍ،<sup>۳۳</sup> لَا كَفَّ وَخَدَّ وَأُذُنٍ، فَيُطَهِّرُهُمَا دُفْعَةً.<sup>۳۴</sup> وَيُطِيلُ الْغُرَّةَ: بِأَنْ يَغْسِلَ مَعَ وَجْهِهِ مِنْ رَأْسِهِ وَعُنُقِهِ زَائِدًا عَنِ الْفَرَضِ،

و (سمت) راست از دست و پا را مقدم می‌کند، نه کف دست و رخسار و گوش. پس آن دو (یعنی دو کف دست، دو رخسار و دو گوش) را یک دفعه طاهر می‌گرداند. و (دیگر از سنت‌ها این است که) غره را به درازا می‌کشاند و امتداد می‌دهد به آنکه همراه صورتش قسمتی از سرش و گردنش را زیادتراً از فرض می‌شوید.

وَالْتَّحْجِيلُ: بِأَنْ يَغْسِلَ فَوْقَ مِرْفَقَيْهِ وَكَعْبَيْهِ،<sup>۳۵</sup>

و (دیگر از سنت‌ها: دراز کردن) تحجیل (است) به آنکه بالای دو آرنجش و دو قوزکش را بشوید،

وَغَايَتُهُ اسْتِيعَابُ الْعُضْدِ وَالسَّاقِ،<sup>۳۶</sup> وَيُؤَالِي الْأَعْضَاءَ، فَإِنْ فَرَّقَ وَلَوْ طَوِيلًا صَحَّ بِغَيْرِ تَجْدِيدِ نِيَّةٍ،<sup>۳۷</sup>

<sup>۳۳</sup> . عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ: ثُمَّ أَخَذَ غُرَّةً مِنْ مَاءٍ، فَغَسَلَ بِهَا يَدَهُ الْيُمْنَى، ثُمَّ أَخَذَ غُرَّةً مِنْ مَاءٍ، فَغَسَلَ بِهَا يَدَهُ الْيُسْرَى، ثُمَّ مَسَحَ بِرَأْسِهِ، ثُمَّ أَخَذَ غُرَّةً مِنْ مَاءٍ، فَرَشَّ عَلَى رِجْلِهِ الْيُمْنَى حَتَّى غَسَلَهَا، ثُمَّ أَخَذَ غُرَّةً أُخْرَى، فَغَسَلَ بِهَا رِجْلَهُ، يَعْنِي الْيُسْرَى» ثُمَّ قَالَ: هَكَذَا رَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَتَوَضَّأُ. بخاری ۱۴۰

سپس (ابن عباس) یک کف دست از آب را برداشت پس با آن دست راست خویش را شست. سپس یک کف دست از آب را برداشت پس با آن دست چپ خویش را شست. سپس سر خویش را مسح نمود. سپس یک کف دست از آب را برداشت پس بر پای راست خویش آب پاشاند تا اینکه آن را شست. سپس یک کف دست آب دیگری برداشت پس با آن پای چپ خویش را شست. سپس (ابن عباس) گفت: این چنین دیدم که رسول الله صلی الله علیه و سلم وضو گرفتند.

<sup>۳۴</sup> . زیرا در روایات چنین آمده است.

<sup>۳۵</sup> . قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: إِنَّ أُمَّتِي يُدْعَوْنَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ غُرًّا مُحَجَّلِينَ مِنْ

آثَارِ الْوُضُوءِ، فَمَنْ اسْتَطَاعَ مِنْكُمْ أَنْ يُطِيلَ غُرَّتَهُ فَلْيَفْعَلْ. بخاری ۱۳۶

همانا در روز قیامت امت من با چهره‌ها و دست‌ها و پاهای درخشان از آثار وضو فراخوانده می‌شوند؛ پس کسی از شما که بر درخشان کردن خود، توانائی دارد، انجام دهد.

۲۶. عَنْ نُعَيْمِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، أَنَّهُ رَأَى أَبَا هُرَيْرَةَ يَتَوَضَّأُ فَعَسَلَ وَجْهَهُ وَيَدَيْهِ حَتَّى كَادَ

يَبْلُغُ الْمَنْكِبَيْنِ ثُمَّ عَسَلَ رِجْلَيْهِ حَتَّى رَفَعَ إِلَى السَّاقَيْنِ. مسلم ۲۴۶

نعیم بن عبدالله روایت می کند: ابوهریره را دید که وضو می گیرد. پس صورت و دو دستش را شست تا این که نزدیک بود به دوش او برسد؛ سپس دو پایش را شست تا این که تا ساق، بالا برد.

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: تَبْلُغُ الْحُلِيَّةَ مِنَ الْمُؤْمِنِ، حَيْثُ يَبْلُغُ الْوُضُوءُ. مسلم

۲۵۰

(در روز قیامت) زیور و زینت مومن تا جائی می رسد که (آب) وضو رسیده است.

عَنْ أَبِي زُرْعَةَ، قَالَ: تَوَضَّأَ أَبُو هُرَيْرَةَ وَعَسَلَ يَدَيْهِ، حَتَّى بَلَغَ إِبْطِيهِ، وَعَسَلَ رِجْلَيْهِ حَتَّى بَلَغَ رُكْبَتَيْهِ. فَقُلْتُ: مَا هَذَا يَا أَبَا هُرَيْرَةَ؟ قَالَ: إِنَّهُ مُنْتَهَى الْحُلِيَّةِ. صحيح، مسند ابی

یعلی ۶۰۸۶

ابوهریره وضو گرفت و دو دستش را شست تا این که به زیر بغل رساند و دو پایش را شست تا این که به زانویش رساند. من گفتم: ای ابوهریره این چیست؟ گفت: این انتهای زیور (مومن) است.

۲۷. مَوَالَاتُ يَعْنِي أَعْضَاءَ رَأْسِ بَشَرٍ. مَثَلًا إِنْ دَسَّ يَدَهُ فِي خَدِّهِ قَبْلَ أَنْ يَتَوَضَّأَ فَهُوَ مُؤْمِنٌ. مَوَالَاتُ يَعْنِي أَعْضَاءَ رَأْسِ بَشَرٍ. مَثَلًا إِنْ دَسَّ يَدَهُ فِي خَدِّهِ قَبْلَ أَنْ يَتَوَضَّأَ فَهُوَ مُؤْمِنٌ.

شود مسح سر نماید. این چنین صفت وضوی رسول الله صلی الله علیه و سلم بوده است.

نزد اصحاب ما شافعیون، مَوَالَاتُ وَاجِبٌ نَيْسَتْ، بِدَلِيلٍ: عَنْ نَافِعٍ، أَنَّ عَبْدَ اللَّهِ بْنَ عُمَرَ بَالَ بِالسُّوقِ. ثُمَّ تَوَضَّأَ، وَعَسَلَ وَجْهَهُ، وَيَدَيْهِ، وَمَسَحَ بِرَأْسِهِ. ثُمَّ دُعِيَ لِجَنَازَةِ لِيُصَلِّيَ

عَلَيْهَا حِينَ دَخَلَ الْمَسْجِدَ، فَمَسَحَ عَلَى خُفَّيْهِ، ثُمَّ صَلَّى عَلَيْهَا. صحيح. الموطأ ۱۰۱

عبدالله بن عمر در بازار، قضاء حاجت نمود سپس وضو گرفت و صورت و دو دست خویش را شست و سر خویش را مسح نمود هنگامی که داخل مسجد شد بسوی جنازه ای فرا خوانده شد که بر آن نماز بگذارد پس بر دو کفش خویش مسح نمود و سپس بر آن جنازه نماز گذارد.

در این روایت ابن عمر پای خویش را بعد از مدتی مسح نمود پس اگر موالات واجب بود وضوی ابن عمر صحیح نمی بود و همچنین ابن عمر این کار را در حضور جمعی از صحابه انجام داد اما کسی بر او انکار نکرد. پس دلالت می دهد که موالات سنت است.



و انتهای تحجیل، عام کردن بازو و ساق پا است. و عضوها (ی وضو را) دنبال هم می‌شوید، پس اگر (در شستن بین اعضا) فاصله قرار داد و اگرچه (فاصله) طولانی باشد بدون تجدید نیت، (وضویش) صحیح است.

وَيَقُولُ بَعْدَ فَرَغِهِ: أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ.

و بعد از فارغ شدن از وضو می‌گوید: گواهی می‌دهم آنکه معبودی به حق نیست بجز الله، او یکتاست و شریکی برای او نیست، و گواهی می‌دهم آنکه محمد صلی الله علیه و سلم بنده او و فرستاده (برحق) اوست.

اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنَ التَّوَّابِينَ، وَاجْعَلْنِي مِنَ الْمُتَطَهِّرِينَ،<sup>۲۸</sup> وَاجْعَلْنِي مِنْ عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ،<sup>۲۹</sup>

بار خدایا قرار بده مرا از توبه‌کنندگان، و قرار بده مرا از پاکان، و قرار بده مرا از بندگان صالح خودت،

سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَبِحَمْدِكَ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ أَسْتَغْفِرُكَ وَأَتُوبُ إِلَيْكَ،<sup>۳۰</sup> وَلِلْأَعْضَاءِ أَدْعِيَةٌ تُقَالُ عِنْدَهَا لَا أَصْلَ لَهَا.<sup>۳۱</sup>

<sup>۲۸</sup> . قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: مَنْ تَوَضَّأَ فَأَحْسَنَ الْوُضُوءَ ثُمَّ قَالَ: أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنَ التَّوَّابِينَ، وَاجْعَلْنِي مِنَ الْمُتَطَهِّرِينَ، فُتِحَتْ لَهُ ثَمَانِيَةُ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ يَدْخُلُ مِنْ أَيِّهَا شَاءَ. صحيح، ترمذی ۵۵

کسی که نیکو وضو بگیرد سپس این دعا بخواند درهای هشتگانه بهشت بر او گشوده می‌شود که از هر کدام بخواند داخل شود.

<sup>۲۹</sup> . در بعضی از نسخ و چاپ‌ها زیاده «وَاجْعَلْنِي مِنْ عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ» آمده اما این عبارت در اکثر نسخ و چاپ‌ها و در روایات وجود ندارد.

<sup>۳۰</sup> . قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: مَنْ تَوَضَّأَ ثُمَّ قَالَ: سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَبِحَمْدِكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ أَسْتَغْفِرُكَ وَأَتُوبُ إِلَيْكَ كُتِبَ فِي رَقِّي، ثُمَّ طَبِعَ بِطَابِعٍ فَلَمْ يُكْسَرْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ. صحيح، نسائی در عمل الیوم و اللیله ۸۱

کسی که وضو بگیرد و این دعا بخواند در کاغذی نوشته می‌شود سپس با مهری، مهر زده می‌شود و تا روز قیامت باز نمی‌شود.

٣١ . يَقُولُ فِي غَسْلِ الْوَجْهِ: اللَّهُمَّ بَيِّضْ وَجْهِي، يَوْمَ تَبْيَضُ وُجُوهُ وَتَسْوَدُ وُجُوهُ؛ وَعِنْدَ غَسْلِ الْيَدِ الْيُمْنَى: اللَّهُمَّ أَعْطِنِي كِتَابِي بِيَمِينِي وَحَاسِبْنِي حِسَابًا يَسِيرًا؛ وَعِنْدَ غَسْلِ الْيُسْرَى: اللَّهُمَّ لَا تُعْطِنِي كِتَابِي بِشِمَالِي، وَلَا مِنْ وَرَاءِ ظَهْرِي؛ وَعِنْدَ مَسْحِ الرَّأْسِ: اللَّهُمَّ حَرِّمْ شَعْرِي وَبَشْرِي عَلَى النَّارِ؛ وَرُوي: اللَّهُمَّ احْفَظْ رَأْسِي وَمَا وَعَى، وَبَطْنِي وَمَا حَوَى " وَرُوي " اللَّهُمَّ أَغْنِنِي بِرَحْمَتِكَ، وَأَنْزِلْ عَلَيَّ مِنْ بَرَكَاتِكَ، وَأَظِلَّنِي تَحْتَ عَرْشِكَ، يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّكَ؛ وَعِنْدَ مَسْحِ الْأُذُنَيْنِ: اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنَ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ؛ وَعِنْدَ غَسْلِ الرَّجْلَيْنِ: اللَّهُمَّ ثَبِّتْ قَدَمَيَّ عَلَى الصِّرَاطِ، يَوْمَ تَزِلُّ الْأَقْدَامُ.

ابن ملقن در البدر المنير فى تخريج الأحاديث الشرح الكبير مى نويسد: فَهَذِهِ (ثَمَانِيَةٌ) أَحَادِيثٌ وَارِدَةٌ عَنْ سَيِّدِنَا رَسُولِ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - بَعْضُهَا ضَعِيفٌ، وَبَعْضُهَا شَهْدٌ لَهُ بِالْحُسْنِ الْمُسْتَعْفِرِيِّ، وَبَعْضُهَا لَا أَعْلَمُ بِهِ بِأَسَاءٍ، فَكَيْفَ يَقُولُ الشَّيْخُ مُحْيِي الدِّينِ - رَحِمَهُ اللَّهُ - لَا أَصِلَ لَهَا بِالْكَلْبِيَّةِ، وَقَدْ آتَى بِعِبَارَةٍ فِي كِتَابِ «الْأَذْكَارِ» يَزِيدُ فِي الْإِعْتِرَاضِ عَلَيْهِ فَقَالَ: الدُّعَاءُ الْوَارِدُ عَلَى أَعْضَاءِ الْوُضُوءِ لَمْ يَجِءْ فِيهِ شَيْءٌ عَنِ النَّبِيِّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - وَقَدْ قَالَ الْفُقَهَاءُ: (يُسْتَحَبُّ) فِيهِ دَعَوَاتٌ جَاءَتْ عَنِ السَّلَفِ. هَذَا لَفْظُهُ بِمُحْرُوفِهِ - سَامِحْنَا اللَّهُ وَإِيَّاهُ - وَقَدْ نَصَّ الْعُلَمَاءُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ عَلَى أَنَّهُ يُتَّسَمَعُ فِي الْأَحَادِيثِ الْوَارِدَةِ فِي فَصَائِلِ الْأَعْمَالِ.

ابن حجر در تلخيص الحبير فى تخريج الأحاديث الرافعى الكبير مى نويسد: قُلْتُ: رُوي فِيهِ عَنْ عَلِيٍّ، مِنْ طُرُقٍ ضَعِيفَةٍ جِدًّا، أوردَهَا الْمُسْتَعْفِرِيُّ فِي الدَّعَوَاتِ، وَابْنُ عَسَاكِرٍ فِي أَمَالِيهِ وَهُوَ مِنْ رِوَايَةِ أَحْمَدَ بْنِ مُضْعَبِ الْمُرُوزِيِّ، عَنْ حَبِيبِ بْنِ أَبِي حَبِيبِ الشَّيْبَانِيِّ، عَنْ أَبِي إِسْحَاقَ السَّبْعِيِّ، عَنْ عَلِيٍّ، وَفِي إِسْنَادِهِ مَنْ لَا يُعْرَفُ، وَرَوَاهُ صَاحِبُ مُسْنَدِ الْفِرْدَوْسِ مِنْ طَرِيقِ أَبِي زُرْعَةَ الرَّازِيِّ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ دَاوُدَ، حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْعَبَّاسِ، حَدَّثَنَا الْمُغِيثُ بْنُ بُدَيْلٍ، عَنْ خَارِجَةَ بْنِ مُضْعَبٍ، عَنْ يُونُسَ بْنِ عُبَيْدٍ، عَنْ الْحَسَنِ، عَنْ عَلِيٍّ نَحْوَهُ، وَرَوَاهُ ابْنُ حِبَّانَ فِي الضُّعَفَاءِ، مِنْ حَدِيثِ أَنَسِ بْنِ نَحْوِ

تو را به پاکی یاد می‌کنم و شکرگزار تو هستم، گواهی می‌دهم آنکه معبودی به حق نیست بجز تو، از تو طلب آمرزش می‌کنم و بسوی تو رجوع می‌کنم. برای اعضای وضو دعاهایی وجود دارد که هنگام (شستن) آن‌ها گفته می‌شود اصلی برای آن نیست.

وَأَدَابُهُ: اسْتِقْبَالَ الْقِبْلَةِ،<sup>۳۲</sup> وَلَا يَتَكَلَّمُ لِغَيْرِ حَاجَةٍ،<sup>۳۳</sup> وَيَبْدَأُ بِأَعْلَىٰ وَجْهِهِ،<sup>۳۴</sup> وَلَا يَلْطِمُهُ بِالْمَاءِ،<sup>۳۵</sup> فَإِنْ صَبَّ عَلَيْهِ غَيْرُهُ بَدَأَ بِمِرْفَقَيْهِ وَكَعْبَيْهِ، وَإِنْ صَبَّ عَلَىٰ نَفْسِهِ بَدَأَ بِأَصَابِعِهِ،<sup>۳۶</sup>

و آداب وضو: رو به قبله کردن است، و به غیر حاجت سخن نمی‌گوید. و (هنگام شستن) به بالای صورتش ابتدا می‌کند. و آب به صورتش نمی‌کوبد. اگر کسی دیگر بر او آب ریخت از آنجش و قوزکش شروع می‌کند و اگر (خودش) بر خود (آب) ریخت از انگشتانش شروع می‌کند.

وَيَتَعَهَّدُ أَمَاقِي<sup>۳۷</sup> عَيْنَيْهِ وَعَقْبَيْهِ وَنَحْوَهُمَا مِمَّا يَخَافُ إِغْفَالَهُ سَيِّمًا فِي الشَّتَاءِ.<sup>۳۸</sup>

هَذَا، وَفِيهِ (عَبَادُ) بَنُ صُهَيْبٍ، وَهُوَ مَثْرُوكٌ، وَرَوَى الْمُسْتَعْفِرِيُّ مِنْ حَدِيثِ الْبَرَاءِ بْنِ عَازِبٍ، وَلَيْسَ بِطَوِيلِهِ، وَإِسْنَادُهُ وَاهٍ.

<sup>۳۲</sup> . زیرا شریف‌ترین جهات است.

<sup>۳۳</sup> . زیرا وضو عبادت است پس شایسته نیست که به غیر از ذکر و یاد خدا، چیز دیگری از

کلام انسان‌ها در آن گنجانده شود تا این که قلب او حاضر باشد.

<sup>۳۴</sup> . زیرا بالای صورت، پیشانی قرار گرفته که با آن سجود خداوند انجام می‌گیرد.

<sup>۳۵</sup> . به خاطر خوف ضرر؛ و همچنین مومن باید در عبادت آرامش داشته باشد.

<sup>۳۶</sup> . در تحفه و معنی آمده: معتمد این است که فرقی ندارد خودش یا کسی دیگر آب

بریزد از انگشتان آغاز می‌کند. اما معتمد نزد بافضل (در المقدمه الحضرمیه)، رملی و سلیمان

جمل (در شرح منهج) همان گونه که مصنف بیان کرد. امام نووی در تحقیق به طور اطلاق

بیان کرده که از اطراف انگشتان آغاز می‌کند اما از آب ریختن دیگری، سخنی به میان

نیاورده است.

<sup>۳۷</sup> . مَاقٌ، مُوقٌ، مُوقٌ: جمع آن: أَمَاقٌ بر وزن أَفْعَالٌ و أَمَاقٌ بر وزن أَعْفَالٌ، زیرا قلب

مکانی رخ داده است؛ در اکثر نسخ خطی و چاپ‌های عمده السالک آمده: «أَمَاقِي» به تشبیه، و

چون مضاف شده نون آن حذف شده است.

و (در رساندن آب) به دو گوشه چشم (که طرف بینی قرار دارد) و پشت پاها و مانند آن دو از آن جاهائی که از غافل شدن آن بخصوص در زمستان می‌ترسد، توجه کند.

وَيَحْرُكُ خَاتَمًا لِيَدْخُلَ الْمَاءُ تَحْتَهُ،<sup>۳۹</sup>

و همچنین الْمُؤَقِّي و الْمَاقِي نیز تلفظ زده شده که جمع آن می‌شود: مَاقٍ، بر وزن مَفَاعِلِ، و بر همین در بعضی از چاپ‌های عمده السالک آمده: مَاقِي آمده است و اما یاء آن، باز گشته زیرا مضاف واقع شده است.

<sup>۳۸</sup> . عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرٍو قَالَ: تَخَلَّفَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي سَفَرٍ سَافِرِنَاهُ، فَأَذْرَكْنَا وَقَدْ أَرْهَقْنَا الصَّلَاةَ، صَلَاةَ الْعَصْرِ، وَنَحْنُ نَتَوَضَّأُ، فَجَعَلْنَا نَمْسُحُ عَلَى أَرْجُلِنَا فَتَادَى بِأَعْلَى صَوْتِهِ «وَيْلٌ لِلْأَعْقَابِ مِنَ النَّارِ مَرَّتَيْنِ أَوْ ثَلَاثًا». بخاری ۹۶

در یک سفری، رسول الله صلی الله علیه و سلم پشت سر ما بود. پس به ما رسید در حالی که نماز عصر را به تأخیر انداخته بودیم و ما وضو می‌گرفتیم. ما شروع به خفیف شستنِ پاهایمان می‌کردیم که رسول الله صلی الله علیه و سلم با بلندترین صدایش ندا زد: وای بر (صاحبان) پس پاها، از آتش جهنم. بقیه بر پشت پاها قیاس گرفته می‌شود.

<sup>۳۹</sup> . حرکت دادن انگشتر به خاطر رسیدن آب به انگشت است. اگر به یقین می‌داند که انگشتر مانع رسیدن آب به انگشت می‌شود در این صورت حرکت دادن آن واجب می‌شود.

عَنْ عُبَيْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِي رَافِعٍ، عَنْ أَبِيهِ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ إِذَا تَوَضَّأَ، حَرَّكَ خَاتَمَهُ. ضعیف، ابن ماجه ۴۴۹

رسول الله صلی الله علیه و سلم هرگاه وضو می‌گرفت انگشتر خویش را حرکت می‌داد. عَنْ مُجَمِّعِ بْنِ عَتَّابٍ، عَنْ أَبِيهِ، قَالَ: «وَضَّأْتُ عَلِيًّا، فَحَرَّكَ خَاتَمَهُ». مصنف ابن ابی شیبه ۴۲۱

مجمع بن عتاب روایت می‌کند که پدرش گفت: علی بن ابی طالب را آب وضو دادم پس انگشتر خویش را حرکت داد.

عَنْ أَبِي تَمِيمٍ الْجَيْشَانِيِّ، أَنَّ عَبْدَ اللَّهِ بْنَ عَمْرٍو «كَانَ إِذَا تَوَضَّأَ حَرَّكَ خَاتَمَهُ» وَأَبَا تَمِيمٍ كَانَ يَفْعَلُهُ، وَأَنَّ ابْنَ هُبَيْرَةَ كَانَ يَفْعَلُهُ. مصنف ابن ابی شیبه ۴۲۳

و انگشتر را حرکت می‌دهد تا اینکه آب به زیر آن داخل شود.

وَيُخَلَّلُ أَصَابِعَ رِجْلَيْهِ بِخَنْصِرِ يَدِهِ الْيُسْرَى، يَبْدَأُ بِخَنْصِرِ رِجْلِهِ الْيُمْنَى مِنْ أَسْفَلٍ وَيَخْتِمُ<sup>۴۰</sup> بِخَنْصِرِ الْيُسْرَى،<sup>۴۱</sup>

و انگشتران دو پایش را با انگشت کوچک دست چپش، خلال می‌کند. (طریقه خلال کردن انگشت پاها این گونه است که) به انگشت کوچک پای راستش از پایین شروع می‌کند و به انگشت کوچک پای چپش به پایان می‌رساند.

وَيُكْرَهُ أَنْ يَغْسِلَ غَيْرَهُ أَعْضَاءَهُ إِلَّا لِعُذْرٍ<sup>۴۲</sup> وَتَقْدِيمِ يُسْرَاهُ،<sup>۴۳</sup> وَالْإِسْرَافِ فِي الْمَاءِ.<sup>۴۴</sup>

عبدالله بن عمرو هرگاه وضو می‌گرفت انگشتر خویش را حرکت می‌داد. ابوتمیم و ابن ابی هبیره نیز آن را انجام می‌داد.

در مصنف ابن ابی شیبه این عمل از ابن سیرین، میمون بن مهران، عمرو بن دینار، عمر بن عبدالعزیز، حسن بصری و عروه بن زبیر روایت شده است.

بیهقی در السنن الکبری ۲۶۰ می‌نویسد: حدیث ابن ماجه ضعیف است. در این باب، اعتماد بر حدیث علی بن ابی طالب است.

<sup>۴۰</sup>. در بعضی از نسخ خطی و چاپ‌ها زیاده: «وَيُخَلَّلُ أَصَابِعَ يَدَيْهِ بِالتَّشْبِيكِ» آمده اما در اکثر نسخ خطی و چاپ‌های عمده السالک نیامده است.

<sup>۴۱</sup>. در بعضی از نسخ خطی و چاپ‌ها: «إِلَى خَنْصِرِ الْيُسْرَى» آمده است.

<sup>۴۲</sup>. عَنْ لَقِيْطِ بْنِ صَبْرَةَ قَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَخْبِرْنِي، عَنِ الْوُضُوءِ، قَالَ: أَسْبِغِ الْوُضُوءَ،

وَخَلَّلْ بَيْنَ الْأَصَابِعِ. صحيح. ابوداود ۱۴۲

لقیط بن صبره گفت: ای رسول خدا! مرا از وضو خبر بده. فرمود: کامل وضو بگیر و بین انگشتران خلال کن.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: إِذَا تَوَضَّأْتَ فَخَلَّلْ بَيْنَ أَصَابِعِ يَدَيْكَ وَرِجْلَيْكَ.

صحيح. ترمذی ۳۹

هرگاه وضو گرفتی میان انگشتران دو دست و دو پایت خلال کن.

عَنِ الْمُسْتَوْرِدِ بْنِ شَدَّادٍ قَالَ: رَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تَوَضَّأَ فَخَلَّلَ

أَصَابِعَ رِجْلَيْهِ بِخَنْصِرِهِ. صحيح، ابن ماجه ۴۴۶

رسول الله صلى الله عليه و سلم را دیدم که وضو گرفت و با انگشت کوچک خویش،

انگشتران دو پای خویش را خلال کرد.

و آنکه کسی غیر خودش اعضای وضویش را بشوید مگر به عذر، و مقدم کردن چپش (یعنی دست چپ بر دست راست و پای چپ بر پای راست مقدم کردن)، و اسراف کردن در آب، (این سه مورد) مکروه می‌شود.

وَيُنْدَبُ أَنْ لَا يَنْقُصَ مَاءَ الْوُضُوءِ عَنْ مَدٍّ،<sup>۴۳</sup> وَهُوَ: رِظْلٌ وَتُلْكُ بَغْدَادِيٍّ، وَلَا يَنْقُصُ مَاءَ الْغُسْلِ عَنْ صَاعٍ، وَالصَّاعُ خَمْسَةُ أَرْطَالٍ وَتُلْكُ رِظْلٍ بِالْعِرَاقِيِّ،<sup>۴۴</sup>

<sup>۴۳</sup> . زیرا عبادت باید با تذلل و خشوع باشد و شستن اعضای وضو توسط دیگران، شأن متکبرین و متجبرین است.

اگر کسی بر دستانش آب می‌ریزد؛ خلاف اولی است. اما اگر دیگری به او وضو می‌گیرد؛ مکروه است. در هر دو مورد اگر بدون عذر باشد.

<sup>۴۴</sup> . زیرا خلاف سنت است همان‌گونه که احادیث آن گذشت.

<sup>۴۵</sup> . الله عزوجل می‌فرماید: وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ. بقره ۱۴۱

اسراف نکنید؛ بی‌گمان خداوند اسراف‌کنندگان را دوست ندارد.

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرٍو، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَرَّ بِسَعْدٍ، وَهُوَ يَتَوَضَّأُ، فَقَالَ: «مَا هَذَا السَّرْفُ» فَقَالَ: «فِي الْوُضُوءِ إِسْرَافٌ، قَالَ: «نَعَمْ، وَإِنْ كُنْتَ عَلَى نَهْرٍ جَارٍ». ضعيف، ابن ماجه ۴۲۵

رسول الله صلی الله علیه و سلم به سعد بن ابی وقاص گذر کرد که وضو می‌گرفت، پس فرمود: این اسراف چیست؟ سعد گفت: آیا در وضو هم اسراف وجود دارد؟ فرمود: بله، و اگر چه در کنار رودخانه جاری باشی.

عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، قَالَ: إِنَّ لِلْوُضُوءِ شَيْطَانًا، يُقَالُ لَهُ: الْوَلَهَانُ، فَاتَّقُوا وَسْوَاسَ الْمَاءِ. ضعيف، ترمذی ۵۷

برای وضو شیطانی است که ولهان نام دارد. پس از وسواس آب بترسید.

<sup>۴۶</sup> . ظرف مکعبی شکل که اندازه هر طرف آن تقریباً ده سانتیمتر باشد؛ یک مد؛ و چهار مد، یک صاع می‌شود.

<sup>۴۷</sup> . عَنْ أَنَسٍ، قَالَ: كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَغْسِلُ، أَوْ كَانَ يَغْتَسِلُ، بِالصَّاعِ إِلَى خَمْسَةِ أَمْدَادٍ، وَيَتَوَضَّأُ بِالْمُدِّ. بخاری ۲۰۱

رسول الله صلی الله علیه و سلم با یک صاع یا پنج مد، غسل می‌زد و با یک مد، وضو می‌گرفت.

و سنت می‌شود آنکه آب وضو از یک مُد کمتر نشود. و یک مُد (برابر با) یک رطل و یک سوم (به رطل) بغدادی است، و آب غسل از یک صاع کمتر نشود. و یک صاع (برابر با) پنج رطل و یک سوم رطل (به رطل) عراقی است.

وَلَا يُنَشَفُ أَعْضَاءُهُ،<sup>۴۸</sup>

و اعضایش را خشک نمی‌کند،

وَلَا يَنْفُضُ يَدَيْهِ،<sup>۴۹</sup> وَلَا يَسْتَعِينُ بِأَحَدٍ يَصُبُّ عَلَيْهِ،<sup>۵۰</sup>

<sup>۴۸</sup> . عَنْ مَيْمُونَةَ قَالَتْ: صَبَبْتُ لِلنَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ غُسْلًا، فَأَفْرَعُ بِيَمِينِهِ عَلَى يَسَارِهِ فَعَسَلَهُمَا، ثُمَّ عَسَلَ فَرْجَهُ، ثُمَّ قَالَ بِيَدِهِ الْأَرْضَ فَمَسَحَهَا بِالتُّرَابِ، ثُمَّ عَسَلَهَا، ثُمَّ تَمَضَّمَضَ وَاسْتَنَشَقَّ، ثُمَّ عَسَلَ وَجْهَهُ، وَأَفَاضَ عَلَى رَأْسِهِ، ثُمَّ تَنَحَّى، فَعَسَلَ قَدَمَيْهِ، ثُمَّ أَتَى بِمَنْدِيلٍ فَلَمْ يَنْفُضْ بِهَا. بخاری ۲۵۹

آب غسل را برای رسول الله صلی الله علیه و سلم ریختم. ایشان با دست راست بر دست چپ ریخت و آن دو را شست. سپس شرمگاه خویش را شست. سپس با دستش بر زمین زد و خاک (که حکم صابون امروزی دارد) را مسح کرد. سپس آن دو را شست. سپس مضمضه و استنشاق کرد. سپس صورتش را شست. و بر سر خویش آب ریخت. سپس کمی دورتر رفت و دو قدمش را شست. سپس حوله‌ای آورده شد اما خود را با آن خشک نکرد.  
<sup>۴۹</sup> . زیرا همانند تنفر از عبادت می‌ماند.

<sup>۵۰</sup> . همان گونه که گذشت این عمل خلاف اولی است و مکروه نیست. اما استعانت جستن رسول الله صلی الله علیه و سلم به أسامه بن زید و مغیره بن شعبه برای بیان جواز است پس در حق رسول الله صلی الله علیه و سلم همین افضل است زیرا ایشان به بیان مأمورند.

عَنْ أُسَامَةَ بْنِ زَيْدٍ، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَمَّا أَفَاضَ مِنْ عَرَفَةَ عَدَلَ إِلَى الشَّعْبِ فَقَضَى حَاجَتَهُ، قَالَ أُسَامَةُ بْنُ زَيْدٍ فَجَعَلْتُ أَصْبُ عَلَيْهِ وَيَتَوَضَّأُ، فَقُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَتُصَلِّي؟ فَقَالَ: «الْمُصَلِّيَ أَمَامَكَ». بخاری ۱۸۱

أسامه بن زید می‌گوید: رسول الله صلی الله علیه و سلم از عرفه برگشت و بسوی راهی بین دو کوه رفت و قضای حاجت نمود. من بر ایشان آب وضو می‌ریختم. من گفتم: ای رسول خدا! آیا نماز می‌گزارید؟ فرمود: محل نماز خواندن، جلو ماست (یعنی در مزدلفه نماز می‌خوانیم).

و دو دستش را تکان نمی‌دهد (که آب‌های روی عضو را بریزد)، و کمک نمی‌طلبد از کسی که بر (اعضای) او آب بریزد.

وَلَا يَمْسَحُ الرَّقَبَةَ،<sup>۵۱</sup> وَلَوْ كَانَ تَحْتَ أَظْفَارِهِ وَسَخٌ يَمْنَعُ وَصُولَ الْمَاءِ لَمْ يَصِحَّ الْوُضُوءُ؛<sup>۵۲</sup>  
وَلَوْ شَكَّ فِي أَثْنَاءِ الْوُضُوءِ فِي غَسْلِ عَضْوٍ لَزِمَهُ مَعَ مَا بَعْدَهُ؛<sup>۵۳</sup> أَوْ بَعْدَ فَرَغِهِ لَمْ يَلْزَمُهُ  
شَيْءٌ.<sup>۵۴</sup>

و گردنش را مسح نمی‌کند، و اگر زیر ناخن‌هایش چرک و آلودگی باشد که منع رسیدن آب می‌کند، وضویش صحیح نشده است. و اگر در اثنای وضو در شستن عضوی شک کرد، لازم

عَنِ الْمُغِيرَةِ بْنِ شُعْبَةَ، أَنَّهُ كَانَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي سَفَرٍ، وَأَنَّهُ  
ذَهَبَ لِحَاجَةٍ لَهُ، وَأَنَّ مُغِيرَةَ «جَعَلَ يَصُبُّ الْمَاءَ عَلَيْهِ وَهُوَ يَتَوَضَّأُ، فَغَسَلَ وَجْهَهُ وَيَدَيْهِ،  
وَمَسَحَ بِرَأْسِهِ، وَمَسَحَ عَلَى الْخَفَّيْنِ». بخاری ۱۸۲

از مغیره بن شعبه روایت است که در سفری همراه رسول الله صلی الله علیه و سلم بود. ایشان برای قضاء حاجت رفتند. سپس در حالی که وضو می‌گرفت مغیره شروع به ریختن آب بر ایشان نمود. پس صورت و دو دستش را شست و مسح سر نمود و بر کفش مسح نمود.

<sup>۵۱</sup> . زیرا حدیث آن موضوع است. رُوِيَ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: مَسَحَ الرَّقَبَةَ  
أَمَانٌ مِنَ الْغُلِّ. امام نووی در المجموع می‌نویسد: این حدیث موضوع است. ابن صلاح  
می‌گوید: این حدیث در کتاب‌های حدیثی یافته نمی‌شود.

مسح گردن امان از غل و زنجیر (در دوزخ) است.  
<sup>۵۲</sup> . زیرا شستن دست از واجبات است و حد شستن دست از سر انگشتان تا آرنج می‌باشد،  
پس اگر پاره‌ای از این قسمت‌ها آب نرسد، واجب بجا نمی‌آید.

عَنْ خَالِدٍ، عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، «أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ  
عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رَأَى رَجُلًا يُصَلِّي وَفِي ظَهْرِ قَدَمِهِ لُعْمَةٌ قَدَرُ الدَّرْهِمِ، لَمْ يُصِبْهَا الْمَاءُ فَأَمَرَهُ  
النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنْ يُعِيدَ الْوُضُوءَ وَالصَّلَاةَ». صحیح، ابوداود ۱۷۵

رسول الله صلی الله علیه و سلم شخصی را دید که نماز می‌گزارد و در پشت پایش به  
اندازه یک درهم آب نرسیده؛ پس او را امر کرد که دوباره وضو بگیرد و نماز را اعاده کند.

<sup>۵۳</sup> . قاعدة فقهی: الْيَقِينُ لَا يُزَالُ بِالشَّكِّ.

<sup>۵۴</sup> . زیرا شک بعد از عبادت هیچ تأثیری در آن عبادت ندارد مگر در نیت.



اوست (شستن) آن همراه آنچه بعد از آن است. یا بعد از فارغ شدن از وضو (در شستن عضوی شک کرد) چیزی لازم او نمی‌شود.

وَيُنْدَبُ تَجْدِيدُ الْوُضُوءِ<sup>۵۵</sup>

و تجدید وضو سنت می‌شود

لِمَنْ صَلَّى بِهِ فَرَضًا أَوْ نَفْلًا،<sup>۵۶</sup> وَيُنْدَبُ الْوُضُوءُ لِجُنْبٍ يُرِيدُ أَكْلًا أَوْ شُرْبًا أَوْ نَوْمًا أَوْ جَمَاعًا آخَرَ،<sup>۵۷</sup> وَاللَّهُ أَعْلَمُ.<sup>۵۸</sup>

<sup>۵۵</sup> . در تحفه و مغنی آمده: زیرا در ابتدا تجدید وضو برای هر نمازی واجب بود وقتی که وجوب آن منسوخ شد اصل طلب آن باقی ماند.

عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ، قَالَ: كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ «يَتَوَضَّأُ عِنْدَ كُلِّ صَلَاةٍ».

بخاری ۲۱۴

رسول الله صلی الله علیه و سلم برای هر نمازی وضو می‌گرفت.

رُوِيَ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَنْ تَوَضَّأَ عَلَى طَهْرٍ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ عَشْرَ

حَسَنَاتٍ». ضعيف، ابوداود ۶

کسی که بر روی طهارتی، طهارت گرفت؛ برای او ده حسنه نوشته می‌شود.

<sup>۵۶</sup> . صاحبان منهج، تحفه، نهاییه و مغنی بر این قول متفق‌اند. در مغنی آمده: امام نووی در

زوائد روضه، مجموع و تحقیق نیز چنین گفته است.

<sup>۵۷</sup> . عَنْ عَائِشَةَ قَالَتْ: «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا كَانَ جُنْبًا، فَأَرَادَ أَنْ

يَأْكُلَ أَوْ يَنَامَ، تَوَضَّأَ وَضُوءَهُ لِلصَّلَاةِ». بخاری ۳۰۵

رسول الله صلی الله علیه و سلم هرگاه جنب بود و می‌خواست بخورد یا بخوابد؛ وضو

می‌گرفت همان وضوئی که برای نماز می‌گرفت.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «إِذَا أَتَى أَحَدُكُمْ أَهْلَهُ، ثُمَّ أَرَادَ أَنْ يَعُودَ،

فَلْيَتَوَضَّأْ». مسلم ۳۰۸

هرگاه یکی از شما با همسرش جماع کرد و خواست دوباره جماع کند؛ پس وضو بگیرد.

<sup>۵۸</sup> . در بعضی از نسخه‌ها بدون: «وَاللَّهُ أَعْلَمُ».

برای کسی که با آن، نمازِ فرض یا سنتی را گزارده باشد. و وضو سنت می‌شود برای  
شخص جُنْبی که قصد خوردن یا آشامیدن یا خوابیدن یا جماعی دیگر را دارد. و الله داناتر  
است.